



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماری .....ترم: ...دوم ... سال تحصیلی: 1398- 1399  
 نام درس جامعه شناسی معماری..... نام و نام خانوادگی مدرس:.....شاهین امیرشفاقی .....  
 آدرس email مدرس:.....mystudent20@gmail.com...تلفن همراه مدرس:.. تماس از طریق ایمیل و تشکیل  
 گروه تلگرام توسط یک نماینده ایدی تلگرام telegram.me/tiktakeomr

جزوه درس..... مربوط به هفته : چهارم □ پنجم □ ششم ■  
 text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■  
 تلفن همراه مدیر گروه : .....

### 3-3 پایداری:

از پیامدهای رشد سریع و بی رویه شهرها، ایجاد ساختارهای نامطلوب شهری است که سبب شده اصلی به نام پایداری در کلیه زمینه های زیستی مطرح شود و شهر به عنوان زیستگاه غالب بشر در سال های آتی موضوع این بحث قرار گیرد. توسعه پایدار مفهومی است که در سال های اخیر به عنوان یک مسئله جهانی به آن نگریده شده است. پایداری جریانی چند بعدی است که ضمن بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد رفاه همگانی توام با عدالت اجتماعی از آثار مخرب زیست محیطی و ناهنجاری های اجتماعی به دور است و در حالی که نیازهای نسل حاضر را برآورده می سازد، در عین حال ظرفیت و امکانات برآورده سازی نیازهای نسل آینده را با توجه به حفظ و بهبود محیط زیست حفظ می کند. برای ایجاد سکونتگاه پایدار – پایداری نه تنها در مفهوم ادبیات غربی آن که مباحث انرژی، محیط زیست، اکولوژی، تکنولوژی بومی، بازیافت مواد و مشارکت مردم را در بر می گیرد، بل در فرهنگ خودی، در معنای بستر تعالی انسان و زمینه سازی برای تعالی روحی انسان است با توجه به تعامل کالبد با رفتارهای انسانی ایجاد پایداری اجتماعی، با بالا بردن کیفیت زندگی. تامین عدالت و نظارت اجتماعی، تقویت روحیه تعاون، مشارکت فعال و جمع گرایی در انسان ها مطرح می شود. در شهر پایدار باید حس تعمق به مکان ایجاد و افزایش یابد، با حفظ تراکم و ارتباطات سالم و پیش بینی اندازه مناسب برای سکونتگاه روابط اجتماعی مطلوب توسعه یابد و مفهومی دیگر از حیات مدنی رقم زده شود و به عبارتی نکته اصلی دگرگونی مفهوم شهروندان و تلاش در خلق روحیه شهروندی ای است که نیاز شهری مطلوب و پایداری است.

### 3-4 فضای شهری:

برای تشریح و دقیق این مقوله از بحث فضا به طور عام آغاز و با مروری بسیار گذرا اما اساسی به رابطه فضا، انسان و فرهنگ انسان در خلق فضا و نهایتا فضای فرهنگی می پردازیم.

سجاء (1989) دو مفهوم از فضا را شناسایی می کند: نخست فضای فیزیکی با ماهیت مادی است که در قالب آن مباحث کلاسیک را در زمینه نظریه های مطلق در برابر نسبی دسته بندی می کند. مفهوم دوم (که به واقع مفهومی رابطه ای است). فضای ذهنی ادراک و بازنمایی است که تلاش برای کاوش معنای فردی و محتوای نمادین و نقشه های ذهنی و تصویرسازی از چشم اندازها در آن جای می گیرند. او سپس مفهوم سومی به نام فضای اجتماعی را طرح می کند و معتقد است یکی از سخت ترین چالش ها برای نظریه اجتماعی معاصر تعریف ارتباطات متقابل این سه فضا است. افور (1991) سه بعد فضاهای دریافتی، فکری و زیستی را به عنوان «سه آن فضای اجتماعی» که دارای روابط متقابل دیالکتیک اند می



یابد. لحظه نخست رویه مکانی است که مربوط به شیوه سازمان یافتن و به کار رفتن فضا است میان واقعیت روزمره و واقعیت شهری (مسیرها و شبکه های متصل کننده مکان هایی که هر کدام برای کار و زندگی و اوقات فراغت وجود دارند). آن دوم باز نموده های فضا است که به فضای مفهومی شده فضای برنامه ریزان، شهرسازان، تفکیک کنندگان تکنوکرات و مهندسان اجتماعی مربوط است. این فضای غالب در جامعه است که تمایل اش به سوی نظامی از نمادهای زبانی است (و بدین جهت روی آن ها عقلایی کار می شود). آن سوم، فضای باز نمودی است، فضایی که با تصاویر و نمادهای همراه اش مستقیماً در آن زیست می شود و از این جهت فضای ساکنان و مصرف کنندگان است. فضایی که با ابزارهای غیرکلامی درک می شود. فضای باز نمودی «فضای مغلوب» است و از این رو تجربه فضا مفعولی است که با فضای فیزیکی تداخل می کند و از اشیاء به عنوان نماد استفاده می کند بحث لفور این است که این سه لحظه باید با یکدیگر رابطه متقابل داشته باشند. لذا پیش از آن که تلاش کنیم فضای شهری را دگرگون سازیم (به ویژه در مبحثی به پیچیدگی فضای شهری) باید آن را بشناسیم. تلاش در جهت منسجم ساختن ابعاد اجتماعی و فیزیکی فضا یا به عبارتی متن دار ساختن فضای فیزیکی با رویه های انسان گامی مهم در درک ما از فضا است. نمی توانیم محیط مان را مجموعه نامرتب از اشیاء مادی بدانیم آن گونه که در گرایش برابر گرفتن شهرها با ساختمان هایشان شاهدیم (مدنی پور، 1379) از سوی دیگر نمی توانیم فضای مان را صرفاً به عنوان ظرفی برای روابط اجتماعی، بدون بعد فیزیکی درک کنیم. فضای مکانی تنها ظرف انسان به حساب نمی آید، بلکه تصویرها و تخیل هایی که از آن به ترتیبی هم مستقیم و هم غیرمستقیم زاده شده و در مغزها اندوخته می شود نیز تا آن اندازه قدرت و گسترش می یابد که این ظرف را بعد از تحقق چیرگی و تسلط معنوی و مادی به شکل یک تابع در می آورد. تابعی که در معنی و در شکل شرط پذیر است (فلامکی، 1367).

ما جامعه را خلق می کنیم در عین حالی که مخلوق آنیم. ما فضا را خلق می کنیم در حالی که برهم کنشی تنگاتنگ با آن داریم و همین فضا ذهنیت ما را شکل می دهد. لذا در این جا از واژه فضای شهری صرفاً در اشاره به فضای میان ساختمان ها یعنی فضاهای خالی متمایز از توده اجسام استفاده نشده، بلکه این واژه در معنایی کلی به کار رفته که تمام ساختمان ها، اشیاء و فضاهای محیطی شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آنها را در بر می گیرد و همین فضا در مفهوم عام فضایی فرهنگی را شکل می دهد.

### 3-5 مفهوم شهروندی و تعامل اجتماعی:

ژان ژاک روسو

«این خانه ها نیستند که شهر را می سازند بلکه شهروندان هستند.»

اگر بخواهیم معنای دقیقی از شهروند ارایه دهیم باید رابطه شهر و شهروند را در زمان و مکان بررسی کنیم. این رابطه در طول زمان و در مکان های مختلف دچار چنان دگرگونی های مفهومی شده که بررسی آن، مقوله ای مجزاست که از محدوده این مقاله بیرون است. مثلاً پریکلس یونانی معتقد است برای آن که فردی بتواند شهروند باشد باید فعالانه به مسایل شهر خود بپردازد. اما این مفهوم در طول زمان تغییر یافته تا جایی که در دنیای مدرن در بسیاری از شهرهای دنیا، شهروند به عنوان یک مصرف کننده مطرح است تا به عنوان یک مشارکت کننده در مسایل شهرش. لذا آنچه ارسطو از آن به هنر شهروند بودن تعبیر کرده (و ما امروزه آن مفهوم را از دست داده ایم) بحثی اساسی در زندگی شهری است که می

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل 4 صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



تواند احیا و کاربردی شود. امروزه محققان شهرسازی وقتی مفهوم شهروندی را طرح می کنند، تاکیدشان بر آن است که شهروند نباید تنها نقش مصرف کننده را داشته باشد. بلکه باید بتواند در متن شهر قرار گیرد و لذا باید احساس همبستگی با شهر در افراد ایجاد شود. به عبارتی در شهرهای امروزی، شهر، شهروند را بلعیده و بین شهروند و کالبد شهر عدم توازن فاحشی به وجود آمده است تا جایی که رم کولهاس شهر ژنریک یا شهر عام و شهروند ژنریک را مطرح کرده و از شهر به عنوان ترمینالی برای تغییر مقصد با مسافرانی با مبدا و مقصد نامعلوم یاد می کند. در شهر امروزی از نظر فضایی شهروندان حس همبستگی با هم را از دست داده اند و شهرنشینی که با آن مواجهیم نتیجه ادراک فضایی مدرن و تغییراتی است که مدرنیته به لحاظ کالبدی و فضایی به همراه آورده است. شهر محصول تمدن است و لایه های انسان شناختی و کیهان شناختی هر تمدن در شهرهای آن تمدن پیدا است. در شهر باستانی ما مسئله شکل گیری شهر حول محور امر قدسی بوده است. شهر کهن تشبیهی بوده است از بهشت. پس به همان نسبت که بافت شهر باستانی بر منبای جهان بینی آسمانی قرار داشته، شهرهای مدرن نیز نتیجه کارکرد و وجه مهم مدرنیته یعنی عقل ابزاری و عقل انتقادی است.

در شهرهای سنتی ایران با فروپاشی بنیان های سنتی مواجهیم، اما این امر الزاما نظام مدرن را جایگزین خود نکرده است. در حال حاضر لاقلا از نظر ابزاری و فن آوری به سوی دنیای مدرن در حرکتیم. چرا که از نظر اطلاع رسانی مجبوریم خود را با جهان همراه کنیم (کافه های اینترنتی، وجود کامپیوتر در تمامی سازمان ها که خود روابط مدرن را ایجاد می کند) لذا نمی توان در فضای کالبدی مدرن شهروندی داشته باشیم بدون مسئولیت کالبدی مدرن چرا که مدرنیته با خود نوعی احساس مسئولیت به همراه دارد. آیا اخلاق شهروندی که در تهران داریم به این مسئولیت رسیده است؟ برای این امر باید نوعی اخلاق مدنی حاکم شود. شهرهای ما ارزش های سنتی را کنار گذاشته اما وارد دنیای مدرن نشده است. در رابطه با دنیای مدرن رابطه ای تنگاتنگ بین کالبد و عقلانیت می تواند در آن رشد کند دانشگاه است. دانشگاه نتیجه شهرنشینی است و فردی که از دانشگاه خارج می شود خود شهروندی جدید است با دید و ذهنیت جدید نسبت به شهر خود، فردی که حقوق خود و مسئولیت های شهری و شهروندی را بهتر می شناسد. فضاهای شهری با رویکرد فرهنگی نیز می تواند عقلانیت را بسط دهد، آموزش دهد و فراگیر سازد. به عبارتی طرز تفکری که می اندیشد تصمیم گیری، مدیریت و قانون گذاری در روابط شهروندی باید به صورت عمودی صورت گیرد و مسئولیت تنها بر عهده دولت است که باید دگرگون شود. اگر بخواهیم شهروندی امروزی باشیم باید بپذیریم که روابط شهروندی در سطح مردم و شهروندان بسیار مهم است. به عبارتی هر شهروند برای دیگری حقوقی قائل باشد و اخلاق مدنی در سطح افقی و تا قانون گذاری مطرح باشد لذا باید قوه داور شهروندان افزایش یابد یعنی نقش مصرفی شهروند کاهش و نقش شهروندی افزایش یابد. به عبارتی مردم بپذیرند اعمالی که انجام می شود به نفع آنهاست و در آن مشارکت فعال داشته باشند. تهران شهر بسیار بزرگی است. بسیار مشکل است نظم دیکته شده ای را بر آن حاکم کرد. ولی اگر در هسته های کوچک شهری در سطح محلات متمرکز شویم میسرتر خواهد بود و هویت بخشی در محلات و حرکت افقی و از پایین کارآمدتر و نتیجه بخش تر خواهد بود. این امر با ایجاد گفت و گو و تعامل اجتماعی بین شهروندان صورت پذیر است. این گفت و گو مستلزم ایجاد فضای گفت و گو است و فضای گفت و گو می تواند پیاده رو مناسب، پارک، فرهنگسرا، سایت های اینترنتی ارتباط محلی مستقر در مراکز فرهنگی، پارک های علمی - آموزشی، کتابخانه، نمایشگاه و سالن های کنسرت، تئاتر، موسیقی، کافه های اینترنتی، فضای مذهبی مسجد، تکیه، حسینیه، سقاخانه، جشنواره، مراسم مذهبی، تعزیه، کارناوال، سمینار، مجله یا رسانه های



خبری باشد. فضاهای گفت و گو ایجاد کننده کثرت گرایی شهروندی است و کثرت گرایی شهروندی یعنی فضایی که اخلاق مدنی بتواند شکل بگیرد و روابط بین شهروندان به صورت مسئولانه مطرح شود.

رویکرد ما به شهرسازی سنتی مان دیدگاهی نوستالژیک نیست، چرا که تغییر مداوم انسان و جامعه را تقریباً همه بینش های فلسفی پذیرفته اند. چه از نظر اسلام به عنوان حرکت جوهری، چه از نظر مارکسیست ها به عنوان جبر تاریخی و چه از نظر اومانیزم ها به عنوان نسبیت اخلاق، تغییر انسان و جامعه به معنای تغییر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است که رفتار و گرایش جامعه و شهر را تغییر می دهد این تغییر باعث تحول دائمی شهر می شود، تا جایی که می بینیم یک شهر در طول تاریخ خود دچار چنان دگرگونی ارزشی می شود که ارزش های دیروز تبدیل به صد ارزش های امروز می کند. اما مشکل از زمانی شروع می شود که تلاش می شود از طریق کپی کردن یک کالبد یا یک سیستم مدیریت موفق در جامعه ای خاص و تحقق آن در جامعه دیگر ارزش های مورد قبول آن جامعه یا گروه های معینی از جامعه مانند طبقه مرفه یا متوسط را تحقق بخشید که نتیجتاً با کل جامعه در تضاد قرار می گیرد. پس در این جا با در نظر داشتن زمان و تغییرات حاصل از آن محله به عنوان یک سلول شهر ایرانی نه تنها از جنبه کالبدی، که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی بررسی شده است و در نگاهی مقایسه ای تلاش شده جای خالی آنچه را سرعت شهرنشینی و تحولات بی سابقه اخیر بالاچار به همراه آورده پررنگ کرده و به فضاهای فرهنگی - اجتماعی در مقیاس محله با رویکردی متفاوت در مشارکت مردم در امور شهر پرداخته شود.